توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲ گانهٔ تهران

معصومه نصیری*

طرح مسأله: *همزمان با رشد کالبدی شهر تهران، مشکلات تامین مسکن مناسب به‌ویژه برای زنان مطلّقهٔ خانه‌دار روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. مسأله این است که چه نوع رابطه‌ای میان توزیع جغرافیایی مسکن فقیرانه و پراکنش درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲گانهٔ تهران وجود دارد؟*

روش: *در این پژوهش، فقر در مناطق ۲۲ گانهٔ تهران بر اساس دو شاخص درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار و درصد خانوارهای چهار نفره به بالای ساکن در یک اتاق مورد بررسی قرار گرفته و با نرم‌افزار GIS نقشه‌های آن ترسیم گردیده است.*

یافته‌ها: *یافته‌ها نشان می‌دهند دو شاخص «درصد خانوارهای چهار نفره و بالاتر ساکن در یک اتاق» به عنوان معیار فقر مسکن، و «درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار» در مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران بیش از سایر مناطق تراکم دارند.*

نتایج: *با توجه به یافته‌های تحقیق، یکی از راهکارهای کاهش فقر و محرومیت لزوم دخالت دولت در تامین مسکن و توجه ویژه در زمینهٔ احداث مساکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد با تاکید بر زنان مطلّقهٔ خانه‌دار است.*

کلید واژه‌ها: تهران، زنان خانه‌دار، شهر، طلاق، مسکن

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۲۵ ***تاریخ پذیرش: ۸۶/۳/۱۴***

* دکتر جغرافیای شهری، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس <m37nasiri@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مقدمه

موقعیت کنونی کشور ایران که فرایند گذار تاریخی خود را می‌گذراند، سبب رشد افسار گسیختهٔ جمعیت و شکل‌گیری پدیده‌ای به نام شهری شدن فقر یا افزایش فقر شهری گردیده است (جواهری‌پور،۱۳۸۱: ۱۲۷). فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن برنامه‌ریزی جامع مسکن و سایر نارسایی‌هایی که در زیرساخت‌های اقتصادی کشور وجود دارد از یک‌سو، و افزایش شتابان جمعیت شهرنشین از سوی دیگر، تامین سرپناه را به شکلی پیچیده و چند بعدی درآورده است (دلال‌پور، ۱۳۷۹: ۵) به طوری که با رشد کالبدی شهرها مشکلات تامین مسکن مناسب به ویژه برای زنان مطلّقهٔ خانه‌دار روزبه‌روز دشوارتر می‌گردد (پوراحمد،۱۳۸۱: ۵۴). یکی از بازتاب‌های کالبدی فقر، تمرکز جمعیت در سکونت‌گاه‌های فقیرانه‌ای است که در مناطق مرکزی و حاشیه‌ای شهرها تبلور یافته است.

اهمیت موضوع نابسامانی‌های کالبدی و ارتباط آن با فقر این است که در سال‌های اخیر میزان مساکن فقیرانه و تعداد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار رو به فزونی داشته است، به این ترتیب که تعداد این‌گونه زنان در محله‌های فقیرنشین شهرها که مساکن نامناسب در آن فراوان وجود دارد، بیش از مناطق و محله‌های دیگر مشاهده می‌گردد. اسکان خانواده‌های کم‌درآمد و به ویژه زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مساکن فقیرانه، نمادی از فقر شهری است که باید به توانمندسازی این‌گونه زنان توجه ویژه‌ای نمود. در واقع دستیابی به توسعهٔ پایدار شهر منوط به کاهش فقر شهروندان کم‌درآمد (نقدی،۱۳۸۵: ۲۱۷)، با تاکید بر زنان مطلّقهٔ خانه‌دار است.

هدف مقاله این است که نحوهٔ توزیع جغرافیایی یکی از نابسامانی‌های کالبدی (مساکن نامناسب)، و یکی از آسیب‌های اجتماعی (زنان مطلّقهٔ خانه‌دار) در فضای جغرافیایی مناطق ۲۲ گانهٔ شهر تهران مورد بررسی قرار گیرد. از این رو ابتدا مفهوم فقر بررسی می شود. سپس مناطق مختلف تهران بر اساس شاخص فقر مسکن مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مرحلهٔ نهایی پژوهش را بررسی رابطه توزیع جغرافیایی دو متغیر مسکن نامناسب و زنان مطلّقهٔ خانه‌دار تشکیل خواهد داد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

۱) چارچوب نظری

مفهوم واژهٔ فقر در حوزهٔ اقتصادی عبارت از عدم دسترسی به درآمد لازم برای دستیابی به حداقل زندگی است. از نظر تاون‌سند برای شناسایی میزان فقر و نابرابری شاخص‌های فراوان مادی و اجتماعی از جمله تغذیه، پوشاک، مسکن، امکانات واحد مسکونی، آموزش، اشتغال، فعالیت‌های خانوادگی، همبستگی با جامعه، تفریح و سرگرمی و مشارکت رسمی در نهادهای اجتماعی وجود دارد که با تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌توان سطح فقر و محرومیت را تعیین نمود[۱]. لیکن در کشور ایران آمار تعدادی از شاخص‌های نام‌برده نامشخص است. به عنوان مثال آمار میزان مصرف کالاها در سبد مصرفی خانوارها وجود ندارد (نخجوانی،۱۳۸۱: ۵۷) از این رو از آمار مسکن که اطلاعات نسبتاً دقیقی راجع به آن وجود دارد، استفاده می‌شود. مسکن یکی از شاخص‌های مهم شناسایی فقر و محرومیت است. مسکن به عنوان یک دارایی فیزیکی می‌تواند تاثیر بسزایی بر ثروت خانوارها داشته باشد. مقولهٔ مسکن گسترده و پیچیده است، ابعاد متنوعی دارد و نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه کرد. مسکن یک مکان فیزیکی است و به عنوان سرپناه، نیاز اولیه و اساسی خانوار به شمار می‌رود (اهری، ۱۳۶۷: ۷). در دومین اجلاس اسکان بشر در استانبول، مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «مسکن مناسب به معنای دسترسی به فضا و آسایش مناسب، امنیت کافی، تامین مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، سیستم روشنایی و تهویه و گرمایش مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آب‌رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت زیست محیطی قابل قبول، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه است» (دفتر اقتصاد مسکن، ۱۳۷۵: ۲۰). لیکن در کشور ایران، برخی عوامل سبب گسترش فقر و عدم دسترسی طبقات اجتماعی مختلف به ویژه گروه‌های کم‌درآمد به مسکن مناسب شده است (دلال پور، ۱۳۷۹: ۹). از جملهٔ این عوامل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تعارض بین برنامه‌ریزی مسکن و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای؛
- محدودیت توان اجرایی دولت‌ها به دلیل ناهماهنگی میان برنامه‌های سکونتی و

۱. رجوع شود به: <http://www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

سیاست‌های تامین مسکن؛

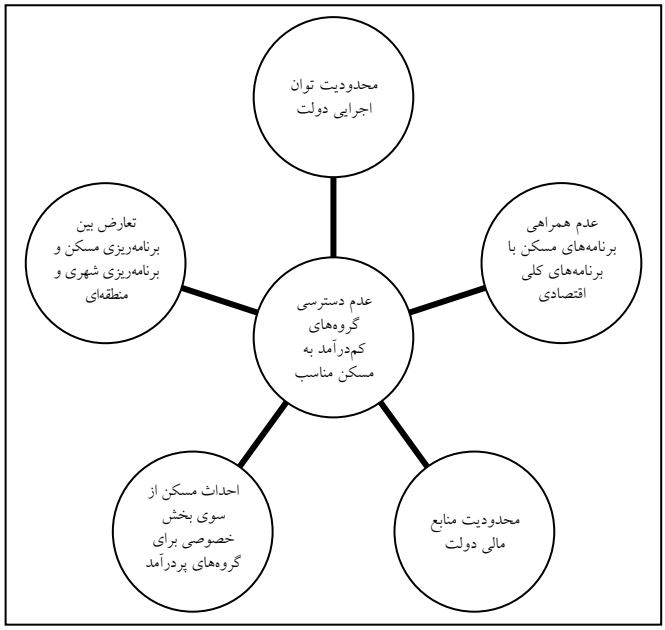
– عدم همراهی برنامه‌های مسکن با سیاست‌ها و برنامه‌های کلی اقتصادی، اجتماعی به ویژه برنامه‌های کنترل جمعیت و هدایت مهاجرت؛

– محدودیت منابع مالی دولت‌ها در حل تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمد، (گروه‌هایی که اکثریت قاطع نیازمندان واقعی مسکن را شامل می‌شوند)؛

– احداث مسکن از سوی بخش خصوصی غالباً برای گروه‌های پردرآمد که از قدرت خرید بالایی برخوردار هستند.

چنین ویژگی‌هایی همراه با رشد سریع جمعیت و افزایش شهرنشینان نسبت به مناطق روستایی، موجب کمبود مزمن مسکن و برونزد زائده‌های فیزیکی (سکونت‌گاه‌های فقیرانه) در پیکرهٔ شهرها به ویژه در مجاورت مناطق مرکزی و حاشیه شهرها شده است (مقدس خراسانی، ۶۸:۱۳۷۱).

نمودار ۱: عوامل گسترش فقر و عدم دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به مسکن مناسب



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

با توجه به این‌که طبقات اجتماعی مختلف شهرها، تحت تاثیر عوامل بالا و با عنایت به میزان دسترسی به منابع شهری از توانایی متفاوتی برای خرید مسکن برخوردار هستند (گیلبرت،۱۳۷۵ :۱۹۵؛ Skaburskis,1990:232)، محله‌های مسکونی متفاوتی در شهرها، به ویژه از نظر اقتصادی شکل گرفته است. تفاوت محله‌های مسکونی مختلف در شهرها از سطوح گوناگون درآمد، توزیع ثروت، میزان رشد شهری و ساختارهای اجتماعی از جمله وجود تبعیض[1] در نوع روابط اجتماعی ناشی می‌شود. برای مثال عدم توانایی فقرا به ویژه زنان مطلّقهٔ خانه‌دار که از فقیرترین طبقات جامعه هستند، در تهیهٔ زمین یا مسکن مناسب در انتخاب محل سکونت آنان مؤثر واقع می‌شود. فقر موجب می‌گردد که گروه‌های فقیر از دستیابی به مسکن مناسب ناامید شده و اجباراً اولین مسکن قابل دسترس که شاید از امکانات رفاهی مورد نیاز بی‌بهره باشد را انتخاب نمایند. لذا نامطلوب بودن شرایط مسکن نه بر اساس اراده و انتخاب خودشان، بلکه بر مبنای ضرورت اقتصادی ـ اجتماعی است. مساکنی که صرفاً به سبب عدم استطاعت مالی انتخاب گردد، به معنای آن است که ساکنان آن در اتاق‌های پایین‌تر از سطح استاندارد[2] و پر تراکم‌تر از حد معمول[3] زندگی می‌کنند (Lawrence,1995:1658). در این صورت سلامت جسمی و روانی افراد به شدت از میزان تراکم افراد و تسهیلات ناکافی مسکن تأثیر سوء می‌پذیرد (Takano, 1996: 880).

در تعاریف مرسوم از فقر و سطح آن معمولاً برنامه‌ریزان به استفاده از مفهوم خانوار گرایش دارند (شادی طلب،۱۳۷۹: ۳۳۸). در همین راستا درصد خانوارهای چهارنفره به بالای ساکن در یک اتاق معیار مناسبی جهت شناسایی اتاق‌های پرتراکم و برآورد فقر خانوارها و مقایسهٔ مناطق مختلف شهر با یکدیگر است. مرحوم دکتر حسین عظیمی، برای برآورد فقر در ایران از شاخص «تعداد خانوار چهار نفره به بالای ساکن در یک اتاق» استفاده کرده است. هنگامی که یک خانوار چهار نفره یا بیشتر ناگزیر باشند که تمام

1. Discrimination
2. Sub–Standard
3. Over – Crowded Rooms

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نیازهای خود را تنها در یک اتاق برطرف نمایند، دلالت قوی بر فقر و محرومیت اقتصادی آنان دارد (عظیمی،۱۳۷۴: ۱۱۸).

در مطالعات اقتصادی، زنان سهم بالایی از طبقات فقیر و محروم جامعه را تشکیل می‌دهند. معمولاً زنان نسبت به مردان از مهارت و تخصص کمتری برای جذب شدن در چرخهٔ اقتصاد شهری برخوردار هستند (پارساپژوه،۱۳۸۱: ۱۶۵). از سوی دیگر به دلیل مسایل خاص اجتماعی و فرهنگی کشور و قرار گرفتن در موقعیت و منزلت فروتر، بهره‌مندی آنان از امکانات مختصر زندگی کمتر از سهم سرانهٔ اعضای دیگر خانوار است (شادی طلب،۱۳۷۹: ۳۳۹) به نظر می‌رسد عواملی که می‌توانند علل فقر زنان را توضیح دهند عبارتند از:

الف) میانگین درآمد زنان شاغل کمتر از مردان است.

ب) دسترسی زنان به مشاغل سودآور و منابع تولید مانند زمین، آموزش، تخصّص، تکنولوژی و خدمات کمتر است.

زنان مطلّقه و به ویژه سرپرست خانوار دو شغل دارند. لیکن صرفاً در مقابل یک شغل دستمزد دریافت می‌کنند (خانه‌داری و اشتغال در برابر مزد). بنابراین اغلب مشاغلی را برمی‌گزینند که انجام آن در منزل امکان‌پذیر باشد و یا با صرف وقت کمتر در خارج از منزل، خدشهٔ زیادی به مشاغل خانه‌داری وارد نسازد (فروزان،۱۳۸۲: ۴۴).

زنان خانه‌دار به درآمد همسران خود وابسته بوده و غالباً در ازای کار و فعالیت در خانه مزدی دریافت نمی‌کنند، از این رو سطح اقتصادی این‌گونه زنان بسیار پایین‌تر از زنان شاغل می‌باشد. حال در صورتی که زنان خانه‌دار متارکه نمایند، تحت تاثیر وابستگی اقتصادی خود به همسر تکیه‌گاه اقتصادی خویش را از دست داده و دچار بحران اقتصادی می‌شوند. از این رو زنان خانه‌دار مطلّقه در زمرهٔ فقیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند. بررسی‌های آماری نیز نشان می‌دهد که درصد بزرگی از افراد کم درآمد دهک اول و دوم اقتصادی را زنان خانه‌دار مطلّقه تشکیل می‌دهند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

۲) روش

۲-۱) نوع تحقیق

در این پژوهش از روش‌های تحقیق توصیفی[1] و تحلیلی[2] استفاده شده است. این پژوهش از نوع مطالعات کمّی و آماری بوده و قابلیت آزمون و تعمیم‌پذیری دارد (صدفی، ۱۳۸۰: ۱۹-۱۲). در پژوهش حاضر با استفاده از سرشماری سراسری سال ۱۳۷۵، فقر در مناطق ۲۲ گانهٔ تهران بر اساس شاخص‌های زیر انجام شده است:

- درصد خانوارهای چهار نفره به بالای ساکن در یک اتاق؛
- درصد زنان مطلّقه خانه‌دار.

۲-۲) جامعه آماری و جمعیت نمونه

با توجه به این‌که ارقام هزینه و درآمد خانوار، در گزارشات اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، معمولاً به‌صورت نمونه‌گیری در سطح کل کشور و یا به تفکیک استان‌ها انجام می‌گیرد، اطلاعات قابل استنادی در مورد میزان درآمد و فقر را در «مناطق مختلف درون شهرها» ارائه نمی‌دهد؛ در حالی که هدف از بررسی تطبیقی زیر، مقایسهٔ «مناطق ۲۲ گانهٔ تهران» از نظر فقر با یکدیگر است. هرچه این مناطق کوچک‌تر انتخاب شوند، دقت کار بیشتر است (معاونت اجتماعی مسکن، ۱۳۷۷: ۸). با توجّه به موارد فوق در پژوهش موردی تهران، از سرشماری سراسری سال ۱۳۷۵ به تفکیک مناطق ۲۲گانهٔ شهر استفاده می‌شود. اگر چه پس از سال ۱۳۷۵، بررسی‌های موردی پراکنده‌ای در مورد فقر در تهران انجام شده است، لیکن بررسی‌ها تصویر جامع و واقع‌بینانه‌ای از وضعیت مناطق مختلف درون شهر ارائه نمی‌دهند. از این رو علی‌رغم گذشت چند سال از سرشماری سال ۱۳۷۵، آمارهای سال نام برده همچنان جامع‌ترین و

1. Descriptive Survey
2. Analytical Survey

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

قابل اتّکاءترین آماری است که در مورد مناطق درون شهر تهران وجود دارد. بدیهی است در صورت انتشار اطلاعات دسته‌بندی شده سرشماری سال ۱۳۸۵ ـ که قطعاً بیش از دو یا سه سال به طول می‌انجامد ـ امکان مقایسهٔ دو سرشماری فراهم شده و فرآیند تحولات مساکن فقیرانه و زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲گانه طی دو دهه روشن‌تر خواهد شد.

۲-۳) روش اجرا

روش کار به این ترتیب است که تعداد و درصد خانوارهای چهارنفره به بالای ساکن در هر اتاق (به عنوان معیار فقر) و پراکندگی درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار سال ۱۳۷۵، به تفکیک مناطق ۲۲گانه استخراج و نقشه موضوعی آن‌ها تهیه شده است. لازم به ذکر است که سازمان ثبت احوال کشور، سالانه تعداد کلی موارد ازدواج و طلاق شهر تهران را انتشار می‌دهد، لیکن به سبب آن که ثبت حکم ازدواج و طلاق می‌تواند در دفاتر مختلف ازدواج و طلاق در سطح شهر انجام شود و ساکنان هر منطقه می‌توانند در مناطق دیگر نسبت به ثبت ازدواج و طلاق اقدام نمایند، لذا گزارش این سازمان تصویر دقیقی از پراکندگی و توزیع جغرافیایی واقعی افراد مطلّقه، به تفکیک مناطق مختلف شهر ارائه نمی‌دهد. بدین جهت از آخرین سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران (سال۱۳۷۵) به تفکیک مناطق ۲۲گانهٔ تهران استفاده شده است. همچنین در این آمار زنانی که تجربهٔ طلاق و ازدواج مجدّد داشته‌اند، مورد ارزیابی نیستند، بلکه صرفاً آن گروه از زنانی که در روز سرشماری مطلّقه بودند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲-۴) پرسش تحقیق

چه رابطه‌ای میان تمرکز سکونت خانوارهای چهارنفره و بیشتر ساکن در یک اتاق و زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲گانهٔ شهر تهران وجود دارد؟

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

۳) یافته‌ها

بررسی نابرابری شهری بر حسب فقر مسکن و محاسبهٔ تعداد خانوارهای چهار نفره به بالای ساکن در یک اتاق در شهر تهران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵، تعداد ۴۲۵۱۱ خانوار چهارنفره به بالا یا ۱۷۰۰۴۴ نفر، تنها یک اتاق در اختیار داشتند و ناگزیر بودند تمام نیازهای مربوط به زندگی را در همان اتاق برطرف نمایند (مرکز آمار ایران،۱۳۷۸: ۸۲-۷۴). به عبارت دیگر ۴/۵درصد از خانوارهای چهارنفره به بالای ساکن تهران در فقر مسکن به سر می‌بردند. توزیع جغرافیایی درصد خانوارهای چهارنفره به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲گانه نشان می‌دهد ۱۱/۲ درصد از خانوارهای چهارنفره به بالا در منطقهٔ نوزده تهران تنها یک اتاق برای سکونت در اختیار دارند. رقم متناظر برای منطقهٔ پنج تهران برابر با ۱ درصد است. بررسی جدول و نقشهٔ خانوارهای چهار نفره به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲گانه، نشان می‌دهد که پانزده منطقه، شامل مناطق یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، یازده، سیزده، چهارده، بیست و یک و بیست و دو، از موقعیت بالاتری نسبت به میانگین شهر (۴/۵درصد) برخوردار هستند. هفت منطقه، شامل مناطق دوازده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده و بیست در وضعیت نامطلوبی نسبت به میانگین شهر قرار دارند. به این ترتیب در مناطق فوق که از نظر جغرافیایی در جنوب شهر تهران واقع شده‌اند، بیشترین فقر و محرومیت اقتصادی از نظر مسکن مشاهده می‌شود.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، تعداد ۱۵۰۴۰۹۹ زن متاهل و ۲۷۱۶۵ زن مطلّقه در مناطق بیست‌ودو گانهٔ تهران سکونت داشتند. از این تعداد، ۱۲۹۱۹۶۶ زن، متاهل خانه‌دار و تعداد ۱۲۶۸۲ زن، مطلّقهٔ خانه‌دار بودند (مرکز آمار ایران، استخراج از جداول جمعیت ده سال و بالاتر برحسب فعالیت به تفکیک مناطق بیست‌ودوگانهٔ تهران، ۱۳۷۷: منتشر نشده). از ۲۷۱۶۵ زن مطلقه در تهران، ۸۶۴۱ نفر (۳۱/۸ درصد) شاغل، ۱۲۶۸۲ نفر (۴۶/۶۸ درصد) خانه‌دار و ۵۸۴۲ نفر (۲۱/۵۰ درصد) در گروه‌های بیکار قبلا شاغل و غیر شاغل، محصل، دارای درآمد بدون کار، سایر و اظهار نشده بودند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

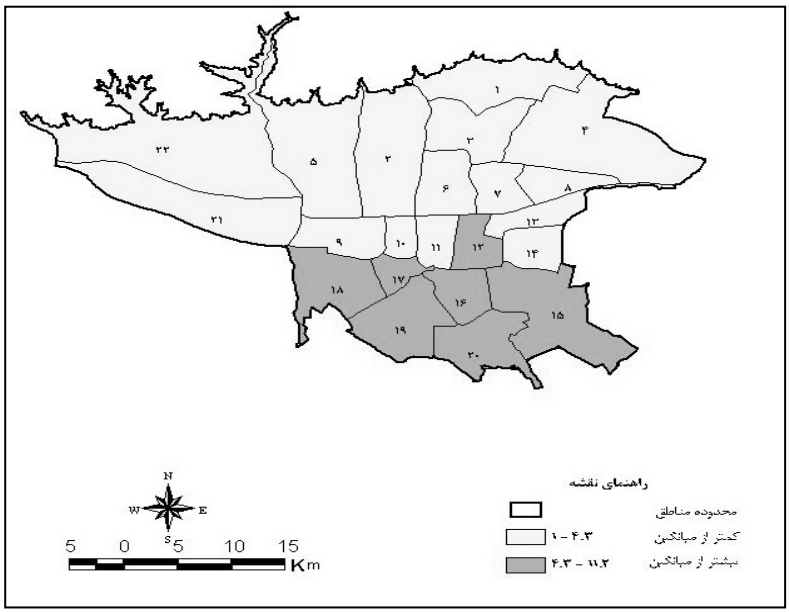
جدول ۱: خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲ گانه*

منطقه	تعداد خانوار	درصد
پنج	۷۲۳	۱/۰
دو	۷۶۵	۱/۱
یازده	۶۸۷	۱/۲
سه	۶۰۷	۱/۶
شش	۵۳۴	۱/ ۸
سیزده	۷۳۸	۲/۱
هفت	۹۰۵	۲/۲
بیست دو	۲۱۱	۲/۳
هشت	۱۱۹۷	۲/ ۴
چهارده	۱۷۲۶	۲/۹
یک	۱۰۸۲	۳/۰
چهار	۳۵۴۷	۳/۵
ده	۱۴۴۷	۳/۶
نه	۹۹۱	۳/۸
بیست ویک	۱۲۳۱	۴/۳
میانگین:۴/۵		
پانزده	۵۴۸۹	۵/۹
هجده	۲۶۱۳	۶/۱
دوازده	۱۷۲۸	۶/۵
بیست	۴۷۱۲	۹/۰
شانزده	۳۹۰۱	۹/۰
هفده	۴۰۰۵	۹/۸
نوزده	۳۶۷۲	۱۱/۲

ماخذ: مرکز آمار ایران. ۱۳۷۸: نتایج تفصیلی شهر تهران، مناطق ۲۲گانه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نقشه ۱: توزیع جغرافیای خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲گانهٔ تهران(۱۳۷۵)



جدول شمارهٔ ۲ تعداد زنان خانه‌دار را به تفکیک زنان متاهل و مطلّقه نشان می‌دهد. نسبت زنان متاهل خانه‌دار به کل زنان متاهل برابر با ۸۵/۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر ۸۵/۹ درصد از زنان متاهّل، خانه‌دار بودند. رقم متناظر برای زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به کل زنان مطلّقه ۴۶/۷ درصد است. به عبارت دیگر زنان متاهّل ۱/۸ برابر زنان مطلّقهٔ خانه‌دار هستند. بررسی جغرافیایی نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به کل زنان مطلّقه به تفکیک مناطق بیست‌ودو گانه حاکی از آن است که منطقهٔ هفده تهران با ۵۶ درصد بیشترین نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار و منطقهٔ بیست‌ویک تهران با ۳۷ درصد کم‌ترین نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به کل زنان مطلّقه را دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

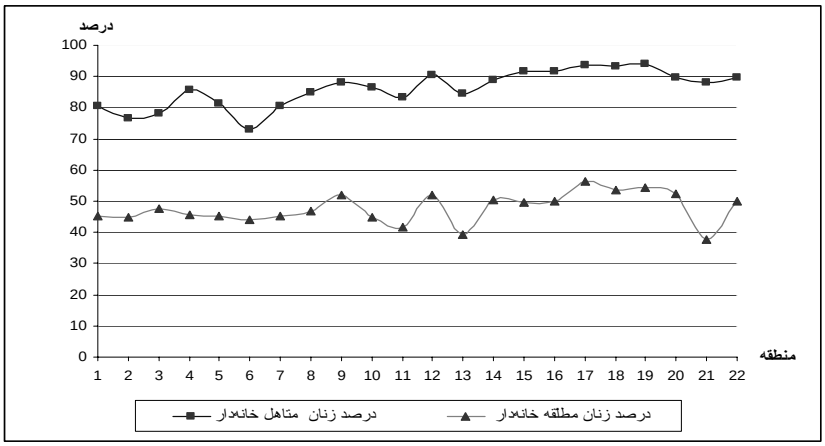
جدول ۲: مقایسهٔ توزیع زنان متاهل خانه‌دار با زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به تفکیک مناطق ۲۲گانهٔ شهر تهران

منطقه	تعداد زنان متاهل	تعداد زنان متاهل خانه‌دار	درصد	تعداد زنان مطلّقه	تعداد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار	درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار
۱	۵۷۲۴۸	۴۶۱۸۶	۸۰/۶۷	۱۷۱۷	۷۷۶	۴۵/۱۹
۲	۱۰۵۹۷۶	۸۱۱۶۴	۷۶/۵۸	۲۴۰۸	۱۰۷۹	۴۴/۸
۳	۶۰۲۰۰	۴۷۰۰۴	۷۸/۰۹	۲۲۷۹	۱۰۸۳	۴۷/۵۲
۴	۱۴۴۹۱۱	۱۲۴۱۰۱	۸۵/۶۳	۲۰۶۲	۹۴۳	۴۵/۷۳
۵	۹۲۲۲۷	۷۹۱۴۴	۸۱/۴	۱۵۶۷	۷۰۹	۴۵/۲۴
۶	۴۸۹۲۶	۳۵۷۴۶	۷۳/۰۶	۱۸۴۹	۸۱۸	۴۴/۲
۷	۶۸۲۰۳	۵۴۹۹۴	۸۰/۶۳	۲۱۲۵	۹۶۱	۴۵/۲۲
۸	۸۰۱۲۸	۶۸۰۹۹	۸۴/۹۸	۱۵۳۹	۷۲۲	۴۶/۹۱
۹	۳۹۱۰۳	۳۴۴۰۵	۸۷/۹۸	۵۳۶	۲۷۳	۵۱/۹
۱۰	۶۵۶۸۹	۵۶۶۹۹	۸۶/۳۱	۱۳۳۰	۵۹۸	۴۴/۹۶
۱۱	۴۹۷۱۶	۴۱۴۱۳	۸۳/۲۹	۱۳۸۵	۵۷۸	۴۱/۷۳
۱۲	۴۰۸۹۵	۳۶۹۴۴	۹۰/۳۳	۹۴۷	۴۹۲	۵۱/۹۵
۱۳	۵۴۶۵۲	۴۶۲۱۸	۸۴/۵۶	۱۰۴۷	۴۱۰	۳۹/۱۵
۱۴	۸۹۹۰۲	۷۹۹۲۷	۸۸/۹	۱۲۶۷	۶۴۱	۵۰/۵۹
۱۵	۱۳۴۹۵۷	۱۲۳۷۹۲	۹۱/۷۲	۱۴۵۳	۷۲۲	۴۹/۶۹
۱۶	۶۶۱۳۴	۶۰۷۲۳	۹۱/۸۱	۸۸۳	۴۴۳	۵۰/۱۶
۱۷	۶۲۷۰۴	۵۸۷۸۴	۹۳/۷۴	۵۷۷	۳۲۶	۵۶/۴۹
۱۸	۶۲۶۷۸	۵۸۳۶۵	۹۳/۱۱	۴۹۲	۲۶۱	۵۳/۰۴
۱۹	۴۷۰۲۳	۴۴۲۷۲	۹۴/۱۴	۳۲۷	۱۷۸	۵۴/۴۳
۲۰	۷۶۲۲۳	۶۸۴۱۳	۸۹/۷۵	۹۱۲	۴۷۸	۵۲/۴۱
۲۱	۳۹۴۸۶	۳۴۷۲۶	۸۷/۹۴	۳۷۵	۱۴۲	۳۷/۸۶
۲۲	۱۲۱۱۸	۱۰۸۴۷	۸۹/۵۱	۹۸	۴۹	۵۰
مجموع	۱۵۰۴۰۹۹	۱۲۹۱۹۶۶	۸۵/۸۹	۲۷۱۶۵	۱۲۶۸۲	۴۶/۶۸

ماخذ: مرکز آمار ایران. ۱۳۷۷: جمعیت ده سال و بالاتر برحسب فعالیت شهر تهران، به تفکیک مناطق ۲۲گانه.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

نمودار ۲: نسبت زنان متاهل خانه‌دار و زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲گانهٔ تهران (۱۳۷۵)



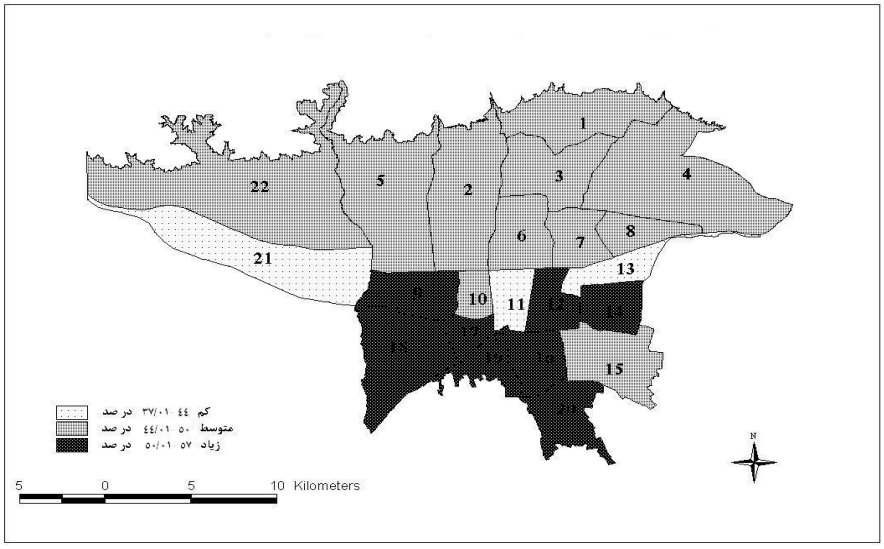
همان‌طور که جدول، نمودار و نقشهٔ توزیع جغرافیایی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به تفکیک مناطق ۲۲گانهٔ تهران در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد، مناطق ۱۱، ۱۳ و ۲۱ از نظر نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به کل زنان مطلّقه با ۴۴-۳۷/۰۱ درصد در فهرست مناطق کم تراکم قرار دارند. در مناطق ۱۱ و ۱۳ به موجب استقرار مراکز اداری و خدماتی و در منطقهٔ ۲۱ تحت تاثیر صنایع کارخانه‌ای و کارگاهی امکان اشتغال برای زنان مطلّقه فراهم بوده و نسبت کمتری از آن‌ها خانه‌دار هستند. مناطق متوسط با نسبت ۵۰-۴۴/۰۱ درصد شامل مناطق۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۵و۲۲ نیز در بخش‌های مختلف شهر پراکنده هستند. لیکن مناطق پرتراکم از نظر نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار به زنان مطلّقه با ۵۷-۵۰/۰۱ درصد شامل مناطق ۹،۱۲،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰ هستند. به عبارت دیگر در مناطق نام برده بیشترین درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار سکونت دارند.

مقایسهٔ تطبیقی نقشهٔ «توزیع جغرافیایی درصد خانوارهای چهارنفره به بالا ساکن در یک اتاق» با نقشهٔ «توزیع جغرافیایی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار» در مناطق ۲۲گانه به‌خوبی تشابه مناطق را نشان می‌دهد. به عنوان مثال نسبت هر دو شاخص خانوارهای چهارنفره و بالاتر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

و نسبت زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در شش منطقهٔ ۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰ بیش از میانگین مناطق شهر است. با توجّه به اینکه اصولاً این مناطق جزء مناطق کم‌درآمد شهر به‌شمار می‌آیند و سطح اشتغال زنان نیز در این مناطق بسیار پایین است، در نتیجه ابزارهای لازم برای کسب درآمد قانونی و خروج از دایرهٔ بستهٔ فقر برای زنان مطلّقه این مناطق به حداقل می‌رسد.

نقشه ۲: توزیع جغرافیایی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار نسبت به کل زنان مطلّقه به تفکیک مناطق ۲۲گانهٔ تهران سال ۱۳۷۵



با عنایت به موارد فوق، رابطهٔ مثبت میان توزیع جغرافیایی دو شاخص افزایش فقر مسکن و درصد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق ۲۲گانهٔ تهران وجود دارد.

معمولاً زنان خانه‌دار از نظر مالی به همسران خود وابسته هستند و در صورت فقدان همسر، به‌ویژه بر اثر طلاق، با فقر اقتصادی بسیار عمیق‌تری روبرو خواهند شد. چنان‌چه زنان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

مطلّقهٔ خانه‌دار از درآمد خاصی برخوردار نباشند، به طور طبیعی به پدر، برادر یا فرزندان خود وابسته خواهند بود. بنابراین ابعاد فقر اقتصادی و محرومیت اجتماعی آنان بسیار بیشتر از سایر زنان است. همچنین افزایش تعداد زنان مطلّقهٔ خانه‌دار علائم هشداردهنده‌ای برای گسترش سایر محرومیت‌های اجتماعی برای آن‌ها و فرزندانشان بوده و زنگ هشداری برای برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی کشور است (موسی‌خانی،۱۳۸۲: ۳۹).

۴) بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده راجع به پراکندگی فقر به وسیلهٔ شاخص درصد چهار نفره و بالاتر ساکن در یک اتاق در شهر تهران حکایت از آن دارد که مناطق متراکم فقر به یکسان در شهر پراکنده نشده است. مناطق مرکزی و جنوب شهر حوزه‌های متمرکز فقر را تشکیل می‌دهند. بررسی توزیع جغرافیایی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار نیز نشان می‌دهد که بیشترین زنان مطلّقهٔ خانه‌دار در مناطق محروم مرکز و جنوب شهر ساکن هستند و رابطهٔ مثبت و معناداری میان فقر مسکن و توزیع جغرافیایی زنان مطلّقهٔ خانه‌دار وجود دارد. لیکن علی‌رغم برنامه‌ریزی وسیع اقتصادی – اجتماعی در سال‌های اخیر، فقر مسکن نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز یافته است. فقر مسکن هر ساله اقشار بیشتری را در بر می‌گیرد و تضاد و شکاف طبقاتی میان گروه اقلیت صاحب بهترین مسکن، و گروه کم‌درآمد فاقد مسکن مناسب ژرف‌تر می‌شود. با افزایش دائمی و بلاانقطاع فقر، نمی‌توان از اقامت در محلات فقیرنشین مرکز و حاشیه شهرها ممانعت به عمل آورد. با توجه به نتایج حاصله، کاهش فقر شهری مستلزم تحولی همه جانبه در الگوی اندیشه و عمل در جهت کم‌درآمدها است (جواهری‌پور،۱۳۸۱: ۱۴۵). یکی از راهکارهای کاهش فقر و محرومیت، توجه ویژه در زمینهٔ احداث مساکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد با تاکید بر زنان مطلّقهٔ خانه‌دار است. هیچ گونه سیاست شهری نمی‌تواند بدون عنایت به برنامه‌ریزی مسکن برای طبقهٔ کم‌درآمد شهری انجام گیرد. در این رابطه یکی از نیازهای ضروری، لزوم دخالت دولت در تامین مسکن است. واگذار کردن حل مشکلات مسکن به بخش خصوصی، بهای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

آن را به‌شدت بالا می‌برد و دسترسی خانوارهای کم‌درآمد به مسکن مناسب را بسیار محدود می‌کند، زیرا طبقات کم درآمد اجتماع به علت فقدان پس‌انداز، حتی قادر به استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانکی نیستند(آقاسی، ۱۳۷۲: ۳۲). از این رو سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در امر تهیهٔ مسکن و واگذاری آن به خانواده‌های کم‌درآمد با شرایط آسان، بهترین راه حل مشکل مسکن آنان است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

منابع References

- آقاسی، رضوان. (۱۳۷۲)، **تحلیل جغرافیایی مسکن در تهران**، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- اهری، زهرا. (۱۳۶۷)، **مسکن حداقل**، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- پارساپژوه، سپیده. (۱۳۸۱)، **نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی مطالعه موردی: اسلام آباد کرج**، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۶.
- پوراحمد، احمد. و کلانتری، محسن. (۱۳۸۱). **نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتکابی شهر تهران**، نامه علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲۰.
- جواهری‌پور، مهرداد. (۱۳۸۱)، **فقر شهری و چالش آسیایی آن**، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۶.
- دفتر اقتصاد مسکن. (۱۳۷۵)، **ویژه‌نامه سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران**، بولتن اقتصاد مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی.
- دلال‌پور محمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، **برنامه‌ریزی مسکن**، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- شادی طلب، ژاله. و کمالی، افسانه. (۱۳۷۹)، **زنان: بسته‌ترین حلقه زنجیر فقر**، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- صدفی، ذبیح‌اله. و بابایی، سکینه. (۱۳۸۰)، **تکنیک‌های خاص تحقیق**، نشر آتیه.
- عظیمی، حسین. (۱۳۶۴)، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، تهران، چاپ چهارم، نشر نی.
- فروزان، ستاره. و بیگلریان، اکبر. (۱۳۸۲)، **زنان سرپرست خانوار، فرصت‌ها و چالش‌ها**، فصلنامه پژوهش زنان، دانشگاه تهران، شماره ۵.
- گیلبرت،آلن. و کاگلر، ژوزف. (۱۳۷۵)، **شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم** (ترجمهٔ پرویز کریمی ناصری)، انتشارات شهرداری تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۷)، **جداول جمعیت ده سال و بالاتر برحسب فعالیت شهر تهران، به تفکیک مناطق بیست‌ودوگانه**، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، منتشر نشده.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۸)، **نتایج تفصیلی شهر تهران (مناطق ۲۲گانه)**، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- معاونت اجتماعی مسکن. (۱۳۷۰)، **شاخص‌های توسعه شهری**، وزارت مسکن و شهرسازی،دفتر اقتصاد مسکن.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]

منابع

References

- مقدس خراسانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱)، **تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت**، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شمارهٔ ۵۶.
- موسی‌خانی، علیرضا. (۱۳۸۲)، **نابرابری توزیع درآمد**، نشریه فروغ، شمارهٔ ۲۳.
- نخجوانی، سید احمد. (۱۳۸۱)، **رفاه اقتصادی خانوارهای کشور**، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۶.
- نقدی، اسداله. و صادقی، رسول. (۱۳۸۵)، **حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری**، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۲۰.

- Lawrence. (1995), **Economic Issues and National Security**, First Edition, University Press of Kansas.
- Skaburskis, André's. (1990), **Race and Tenure in Toronto Urban Studies**, Vol 33.
- Takano ,A.; Tanarat, Nakamara, K. & Takechi, S. (1996), **Health Levels Influenced by Urban Residential Condition in a Mega city-Tokyo**, Urban Studies, Vol, 33.
- http://www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm(2006)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-03]